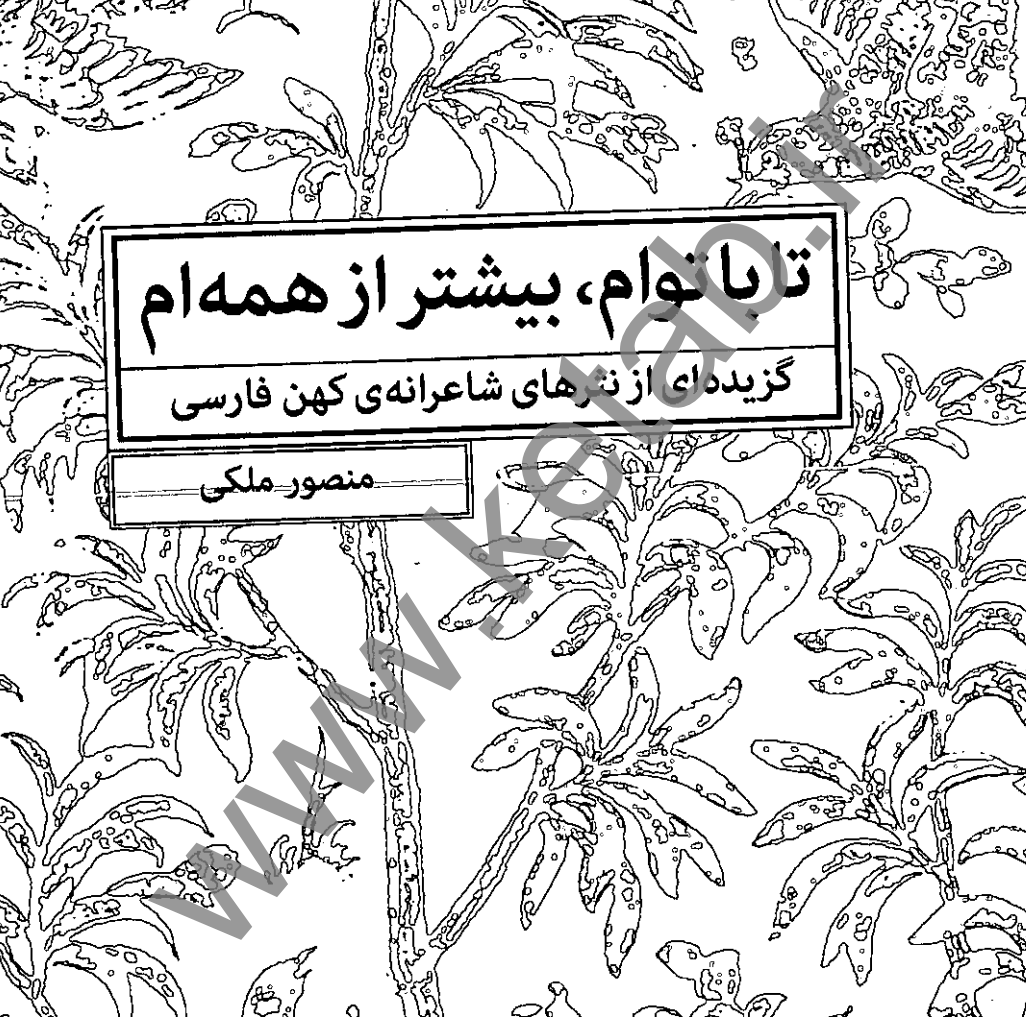




تابانوام، بیشتر از همه ام

گزیده‌ای از نثرهای شاعرانه‌ی کهن فارسی

منصور ملکی

سرشناسه: ملکی، منصور، ۱۳۲۱ -
عنوان و نام پدیدآور: تا با توام، بیشتر از همه‌ام: گزیده‌ای از
نثرهای شاعرانه‌ی کهن فارسی/ منصور ملکی.
مشخصات نشر: تهران: رادنواندیش، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص: ۱۴×۱۴ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۰۲-۰۹-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: نثر فارسی - مجموعه‌ها
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲-۲۷۲/م/PIR۴۲۵۲
رده بندی دیویی: ۸۰۸/۰۸۴
شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۷۱۵۸۳

تا با توام، بیشتر از همه‌ام

گزیده‌ای از نثرهای شاعرانه‌ی کهن فارسی
منصور ملکی
طراح گرافیک و اجراء کلریریز گرگانی
ناشر: رادنواندیش
تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان کاووسی‌فر،
کوچه باربد، پلاک ۳۰، واحد ۳
تلفن: ۸۸۵۲۸۱۴۷-۸
www.radnoandish.com
چاپ: نخست ۱۳۹۲
تیراژ: ۱۰۰۰
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۰۲-۰۹-۴
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان
کلیه حقوق مادی و معنوی اثر متعلق به ناشر است



پیش درآمد

در خواندن هر کتابی، مهدی لازم است! چون می‌توانی زیر تکه‌نوشته‌هایی را که دوست داری، خط بکشی. حُسن دیگر، چون کتاب خط‌خطی شده است، آن را نمی‌توانی به دیگری هدیه کنی!

این عادت، سال‌هاست با من است. آن چه در این کتاب می‌بینی و می‌خوانی، گزیده‌ها و نمونه‌هایی از زیباترین، شگفت‌انگیزترین و شاعرانه‌ترین «نوشته‌ها» ست، در ادبیات مثنوی و کهن زبان فارسی.

جدا از تعریف‌های تکراری و گاه سطحی درباره‌ی تفاوت «نثر و نظم» و «نظم و شعر» از بزرگواری شنیده‌ام: «... نظم یعنی این که مجموعه‌ی هجاهای کوتاه و بلند عبارت، به صورتی کاملاً محسوس، که تکرار مرتب یک دسته از هجاها باشد. یعنی‌ها می‌گویند اگر ذهن شاعر به وزن معتاد باشد شعر خود به خود در وزن شکل می‌گیرد. «نثر» عبارتی است که وزن نداشته باشد، یا مجموعه‌ی هجاهای کوتاه و بلند آن قابل تقسیم به واحد وزنی کوتاهی نباشد. «کاریوانی» را در سرزمین یونان بزدند...» این نثر است اما «به صحرا شدم عشق باریده بود...» نثری است که محتوایش شعر است. پس نثر بودن به معنی شعر نبودن نیست. آن‌چه باید دانست این است که در واقع نویسنده‌ی آن چون فردوسی و نظامی ناگزیر شده‌اند آثار خود را یک پرده بالاتر بگیرند و قصه و رمان یا حماسه‌شان را به نظم درآورند. شاید بتوان چنین گفت که تحریم موسیقی سبب شده است هنری را که باخ‌ها و موزارت‌ها در پهنه‌ی موسیقی به وجود آورده‌اند نوابغ ما در عرصه‌ی ادبیات به وجود آرند. بگذارید قطعه‌ای از «کشف الاسرار و عُدة الابرار» را برایتان بنویسم. آیا حیرت نمی‌کنید؟ اصل همه غریبان، آدم بود. پیشین همه غمخواران، آدم بود. نخستین همه گریندگان، آدم بود. بنیاد دوستی در عالم، آدم نهاد. آیین بیداری شب، آدم نهاد. نوحه کردن از درد هجران و زاریدن به نیم‌شبان سنتی است که آدم نهاد. آخر چون نسیم سحر عاشق و سرور بر ز و لشکر صبح کمین برگشاد و بانگ بر ظلمت شب زد، جبرئیل آمد به بشارت که یا آدم! صبح آمد و صبح آمد، نور آمد و سرور آمد، بر خیز ای آدم!.

گردآورنده‌ی این مجموعه (که اندکی است از بسیار) با این نگاه این مجموعه را به دست چاپ می‌سپارد. گرچه همه‌ی انتخاب‌ها فقط «شعرهایی به نثر» نیست. گاه قصه‌ای شگفت‌انگیز بوده است، گاه عوالمی شگفت‌انگیز. امیدوارم روزی بتوانم «نثرهای شاعرانه‌ی ادبیات فارسی معاصر» را نیز معرفی کنم.

محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند؛
و عشق خاص‌تر از محبت است، زیرا که همه
عشق محبت باشد، اما همه محبتی عشق نباشد.



آدمی زاینده است، و عشق آینده است. برکت
جان‌ها از مهر است، عشق غوطه در مهر است، نه
رایحه‌ی عطر است.

آواز مرغان خوش است و حرام نیست. سبزه و
آب روان و نظاره در شکوفه خوش است و حرام
نیست. پس آواز خوش در حق گوش، هم چون
سبزه و آب روان است در حق چشم.



ای عزیز! مست باش و مخروش، گرم باش و
مجوش، شکسته باش و خاموش که سبوی درخت
را به دست برند و شکسته را به دوش کشند.